

پرسیمان «اقتصاد ایران»

از انحصارات مضر تا انحصارات مفید

کارشناسان از علل ناکارایی اقتصاد کشور و راهکارهای رقابتی شدن آن می‌گویند.

طی سال‌های اخیر، مسأله رقابت و رفع موانع موجود بر سر راه آن، به یکی از مباحث مهم اقتصادی کشور مبدل شده است. هم‌اکنون تقریباً همه اقتصاددانان کشور، اتفاق نظر دارند که شرط کارایی اقتصاد، گذر از انحصار و گشودن درها به روی رقابت است و وجود قانون ضدانحصار اصل ۴۴ را یکی از شرط‌های لازم برای رفع چالش‌های کنونی اقتصاد ایران می‌دانند، اما خاطر نشان می‌سازند که شرط کافی، ضمانت اجرای قانون اصل ۴۴ است.

در این خصوص، خبرنگاران «اقتصاد ایران» با تنی چند از صاحب‌نظران در مورد وضعیت کنونی اقتصاد کشورمان و راهکارهای مناسب جهت حذف انحصارات به گفت‌وگو نشستند. سوالات و چکیده نقطه نظرات آنان در ذیل آمده است:

- ۱) مضار انحصار و منافع رقابتی شدن صنایع و بخش‌های مختلف اقتصادی کشور چه می‌باشند؟
- ۲) نقطه نظر و دیدگاه جنابعالی در مورد مواد قانونی ضدانحصار (Antitrust) که در لایحه اصل ۴۴ مجلس ادغام شد، چیست؟
- ۳) چه توصیه‌ها و راهکارهایی را برای رقابتی کردن اقتصاد ایران و کاهش انحصارها پیشنهاد می‌کنید؟



انحصارهای بازاری و نابازاری

دکتر محسن رنانی

عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان

● اگر منظور از انحصار، انحصارهای ناشی از نابرابری‌های فرصتی، قوانین جانبدارانه (ناشی از رفتار رانت جویانه)، انحصارهای ناشی از حمایت بلند مدت قانون یا دولت از یک فعالیت و یا انحصارهای ناشی از تباری باشد، در این صورت پرسش شما پاسخی آشکار و تجربه شده دارد و نزدیک به یک قرن است که در دنیای مدرن بر علیه این گونه انحصار، قوانینی وضع شده است. البته انحصارهایی نیز هستند که برخاسته از مزیت‌های طبیعی یا قدرت خلاقیت و نوآوری یک تولیدکننده است که چنین انحصارهایی البته لازم و سازنده می‌باشند. مثلاً انحصار واردات فلان کالا در دست بهمان نهاد یا انحصار شرکت مخبرات و یکی دو تولیدکننده دیگر در بازار ارتباطات ایران یک انحصار غیرطبیعی و ناشی از حمایت دولتی است و به همین علت، کارایی را پایین می‌آورد. اما انحصار تکثیر فلان فیلم یا انحصار تولید فلان اتومبیل جدید برای سازنده‌اش از نوع انحصارهای لازم و مفید می‌باشند. متأسفانه در کشور ما، انحصارهای زیانبار به گونه‌ای جدی از سوی قانون حمایت می‌شوند، ولی انحصارهای مفید فاقد حمایت‌اند و به همین علت، هر ابداع جدیدی که انجام می‌شود به سرعت، کپی برداری

● یکی از مهمترین خطاهای قانون اساسی ما این بوده که در حوزه اقتصاد، وارد مصادیق شده است و در مورد موضوعاتی قانون وضع کرده که تابع تحولات فن آوری است. در این صورت، وقتی فن آوری پیشرفت می‌کند ما یا باید با هزینه زیادی قانون را حفظ و اجرا و یا آن را نقض کنیم که خودش منجر به بی‌حرمتی و لغو قوانین می‌شود - که این هم در بلند مدت به سرمایه اجتماعی آسیب می‌رساند. بدین ترتیب باید گفت هر گونه تحول قانونی که انحصارهای قانونی بلند مدت را نقض کند، خوش‌بین خواهد بود. چرا که حتی با حذف انحصارهای قانونی، رقابت شکل نخواهد گرفت. شکل‌گیری مؤثر رقابت، نیازمند امکان جمع‌آوری منافع ناشی از یک فعالیت است. این موضوع زمانی رخ می‌دهد که حقوق مالکیت فعالیت‌های اقتصادی به طور کامل حفاظت شده باشد. منظور از حفاظت این است که اولاً این حقوق به صورت اسناد مالکیتی قانونی متحدالشکل که به راحتی به صورت قابل حمل و کم‌هزینه قابل واگذاری باشند، تعریف شود. ثانیاً این حقوق تعریف شده از سوی یک دادگستری کارآمد که دارای پنج ویژگی (سریع، ارزان، قاطع، بی‌طرف، و همه‌جا در دسترس) باشد، حفاظت شود.

● حذف قوانین انحصارآفرین و تصویب قوانین ضد انحصار تنها آغاز کار است و رقابت زمانی به گونه حقیقی شکل می‌گیرد که حقوق مالکیت فعالین اقتصادی، تحت یک نظام حقوقی کارآمد، تعریف و تضمین شود. در اکثر نقاط جهان، ثبت سفارش برای واردات یک کالا در یک لحظه و از طریق اینترنت امکان‌پذیر است، اما در ایران برای گرفتن یک مجوز واردات، باید ۴۵ روز کاری دوندگی کرد، یا برای وصول یک چک برگشتی باید شش ماه در نوبت رسیدگی دادگستری منتظر ماند. در چنین اقتصادی، میان نظام حقوقی و نظام اقتصادی، شکاف عظیمی وجود دارد که نمی‌تواند حقوق مالکیت - و بنابراین رقابت - را حمایت کند. تحول در باورها و عادات، به منظور اصلاح نظام حقوقی، نخست باید از دولتیان، متولیان، نیروها و مقامات مرجع آغاز شود. ■



گره‌های اقتصادی

دکتر فقیه نصیری

معاون مدیرکل دفتر مطالعات اقتصادی وزارت بازرگانی

● مسلم است که در ادبیات اقتصادی، انحصار موجب عدم کارایی می‌شود و در واقع، کارایی اجتماعی حداکثر نخواهد شد. شیوه عملی و رویکرد درست این است که انحصار را ممنوع نکنیم

و تکثیر شده و چون این نوع انحصار از سوی قانون حمایت نمی‌شود، کسی حاضر به سرمایه‌گذاری برای ابداع و نوآوری نیست. در چنین اقتصادی، فرصت‌طلبان یا آنان که سر و سری با مقامات دارند، منفعت انباشته می‌کنند و نوآوران و نیروهای خلاق دست حسرت می‌گزینند. وقتی این وضعیت در بلندمدت ادامه یافت، کم‌کم نیروهای خلاق به فکر می‌افتند که در پی کشف فرصت‌های سودآور باشند. چنین می‌شود که اقتصاد ایران به جای آن که انباشته از مدیران خلاق و نوآور شویمپتری (که به آنان کارآفرین می‌گوییم و سکاندار رشد هر اقتصادی محسوب می‌شوند) باشد، آکنده از مدیران مترصد کیزنری (Kiznery) که به آنان مدیران فرصت طلب گفته می‌شود. انحصار یکی از زیرساخت‌های بازار است. در فرهنگ عمومی، معمولاً به اشتباه، بازار یا رقابت یکی انگاشته می‌شود. "بازار" یک "نهاد" است که سازوکاری دارد و حاصل این سازوکار، یک ساختار است که این ساختار می‌تواند "رقابت" باشد یا "انحصار" که بستگی به شرایط قانونی، ماهیت کالا، کمپایی آن، تعداد عرضه‌کنندگان و متقاضی‌ها و شرایطی از این قبیل دارد. اگر بازار و رقابت یکی باشند، پس دیگر جایی که انحصار وجود دارد، نباید بازار وجود داشته باشد. در حالی که انحصار هم محصول بازار است. بدین ترتیب، می‌توان دو دسته انحصار را شناسایی کرد. یکی انحصارهایی که محصول شرایط بازاری و دیگری انحصارهایی که خارج از بازار پدید می‌آیند (انحصارهای نابازاری). یک حکم قطعی این است که انحصارهای نابازاری در بلند مدت قطعاً بر جامعه زیان‌تحمیل می‌کنند، اما در موارد خاصی و برای ایجاد منافع اولیه ناشی از باگیری یک صنعت، می‌توان از طریق قانون و حمایت دولتی، در کوتاه مدت به یک فعالیت، قدرت انحصاری بخشید.



امنیت مالکیت

دکتر رضا کاشفی

رییس اتاق مشترک بازرگانی ایران و لیبی

● تمرکز امور در تمامی رشته‌ها منحصراً به حکومت‌های انقلابی، کمونیستی یا دیکتاتوری است. تجربه تاریخی نشان می‌دهد، تمرکزگرایی و انحصارطلبی در هیچ نقطه‌ای از جهان به پیشرفت جامعه و شکوفایی زندگی مردم منجر نشده است. در روزهای آغازین انقلاب و در دوران جنگ تحمیلی، سررشته امور بازرگانی، صنعتی و اقتصادی در دست مستقیم دولت یا بنیادها، واحدها، سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته به دولت، ضرورتی موقت بود. شاید این تمرکز برای حفظ نظام مفید بود، ولی اقتصاد کشور را دچار مشکلات بسیار کرد. این که مقام معظم رهبری و سایر مقامات نظام به ضرورت حذف انحصارات دولتی و شبه‌دولتی توجه ویژه پیدا کرده‌اند مدبرانه و لازم، ولی کافی نیست. چنین توجهی باید به تمام ارکان اعم از سیاسی، فرهنگی، صنعتی، بازرگانی و اقتصادی تعمیم یابد.

● حذف انحصارات و ایجاد رقابت در بنیادهای اقتصادی باید بدون شتاب و بایک فرهنگ‌سازی درست صورت پذیرد. به هم ریختن واحدهای تخصصی مادر به صورت ناگهانی به همان اندازه که تمرکز آن زیان بخش بوده، فروپاشی با شتاب آن هم بدون ایجاد زمینه‌های فرهنگی و مردمی به ضرر کشور است. شرکتی که بخواهد یک پالایشگاه دایر کند از دید عده قابل توجهی از مقامات، تکاثر تلقی می‌شود و متأسفانه هنوز هم در صدا و سیما جمهوری اسلامی یک کارخانه دار، شخصی زورگو، حق کارگر خور و فاسدالاخلاق معرفی شده و برای آبروریزی وی سریال ساخته می‌شود. با این طرز تفکر که گروهی از مقامات آن را ترویج می‌کنند، چگونه بخش خصوصی جرأت کند کارهای عظیمی را که دولت انحصاراً به عهده داشته، تقبل کند.

● اجرای اصل ۴۴ علاوه بر آن که از حیث مسایل حقوقی و اجرایی احتیاج به قانون و تبیین شرایط عملی دارد، نیازمند فرهنگ‌سازی برای کل جامعه است.

ممکن است در بازار رقابت سالم، عده‌ای از راه صحیح به دارایی‌های هنگفت دست پیدا کنند. اگر این دارایی‌ها امنیت نداشته باشد، صاحبان قدرت اقتصادی و دانش ترجیح می‌دهند تلاش خود را در یک منطقه امن انجام دهند و آن زمان است که میلیاردها ریال از کشور خارج می‌شود. اجرای اصل ۴۴ و قبول مسئولیت بخش خصوصی برای جایگزینی انحصارات دولتی، پیش از همه به امنیت اجتماعی، امنیت قضایی و امنیت فرهنگی نیاز دارد. ■

وضعیت کشورمان را نه با قبل از انقلاب بلکه با کشورهای نظیر مالزی مقایسه کنیم. متأسفانه بعد از انقلاب، تئوری عمومی سازی یا به عبارتی دولتی سازی به شکل نهادهای وابسته به حاکمیت، جایگزین بخش خصوصی و آزاد شده یعنی انحصار به صورت کارتل و تراست دولتی-نهادی به وجود آمده و به این دلیل است که در حال حاضر، به مجرد این که صنعتی مثل مس در بورس مطرح می‌شود، ظرف چند ساعت، نهادهای دولتی و عمومی کلیه سهام آن را می‌خرند. یعنی از چاله دولت به چاه نهاد می‌افتند.

در واقع، به یک انحصار نامرئی و غیرمدون می‌رسیم. سازمان حسابرسی کل کشور، سازمان محاسبات عمومی، برنامه و بودجه و دیوان عالی عدالت بر انحصارهای دولتی نظارت‌هایی دارند اما نهادهای فاقد این چهار مکانیزم کنترلی بوده و متأسفانه زیر پوشش دولت هر کاری انجام می‌دهند. ولی در این مسیر، بخش‌های نهادی و بنیادی، بزرگترین ضربه را به اقتصاد کشور می‌زنند. البته در گذشته جلوی فعالیت بخش کوچکی از آنها گرفته شد. با این وصف، هنوز نهادهای و گروه‌های مختلف و حتی صندوق‌های قرض الحسنه که تحت قانون بانکداری نیستند، بزرگترین موانع رقابت محسوب می‌شوند و دولت هم قادر به جلوگیری از فعالیت آنها نیست به طوری که، از ۷۰ میلیارد درآمد نفت و گاز فقط ۳۴ میلیارد آن به دست دولت می‌رسد. مؤسسات غیرخصوصی و غیردولتی گروه‌های انحصارگر، اقتصادی لجام گسیخته دارند و از رانت‌های متنوع مثل رانت ورود اتومبیل، رانت صادرات پسته، رانت ورود شکر، رانت صادرات زعفران و مهمتر از همه، رانت خرید و فروش زمین‌های بزرگ برخوردارند. ضررهای ناشی از این انحصارات گریبانگیر اقتصاد کشور می‌شود.

● به موازات پایه‌ریزی اصل ۴۴، انحصار را بنیان‌گذاری کرده‌ایم و خصوصی‌سازی ما به نوعی، خصوصی‌سازی بود و نهادهای قدرتمند کرد نه بخش خصوصی را. به بخش‌هایی قدرت دادیم که نزدیک به محورهای حاکمیت بودند و فقط یک بخش خرده‌پا مثل کاسیان و صنعتگران جزء، در دست بخش خصوصی قرار گرفت. البته در کنار آنها، تعاونی‌ها را داریم که به نوعی زیر نظر وزارتخانه‌ای (وزارت تعاون) دولتی قرار دارند. بنابراین، آزادسازی امری است علی‌حده چون همان‌طور که گفتیم بخش خصوصی زیر مجموعه بخش دولتی است.

● در حال حاضر نظام ما الگوی مشخصی ندارد: نه اسلامی نه سرمایه‌داری، نه سوسیالیستی و نه حتی ایرانی. در واقع با نظامی التقاطی مواجه هستیم که هر قسمت از آن، تحت کنترل صاحب اقتداری قرار دارد. باید نظام مردمی ویژه‌ای طراحی کنیم که مسایل را بازنگری کند. ■

بلکه آن را محدود نماییم. زمانی که انحصار ناشی از ادعاعات و حقوق خاص و فن‌آوری است لازم است فرد بتواند از منافع آن، البته در محدوده زمانی مشخص استفاده کند و باید مقررات خاص وضع شود که علیرغم کاهش کارایی توسط انحصارات بتوانیم از منافع آن بهره‌مند شویم. در اغلب کشورها، هدف قانون‌هایی تحت عنوان "تسهیل رقابت" یا "ضد انحصار" این است که به طور عام، شرایط رقابت و به طور خاص، مجوزهای انحصار، محدوده فعالیت را مشخص کنند. پیش زمینه لازم برای رسیدن به رقابت، حصول شرایط آن است و در این مورد، مفهوم بازار به معنی بازاری با اندازه جهانی است و محصولات باید کیفیت و استانداردهای مورد نظر را داشته باشند. یعنی قوانین باید طوری تنظیم شوند که هم به دنبال رقابت داخلی بوده هم به بازار بین‌المللی نظر داشته باشیم. مثال بارز در این مورد، صنعت خودروسازی ما است. تازمانی که با استانداردهای داخلی و سیاست درهای بسته عمل می‌کنیم خودروساز نیازی نمی‌بیند که کیفیت محصول و توان رقابتی خود را ارتقا دهد. در این حالت، به نقطه‌ای می‌رسیم که بازار داخلی اشباع می‌شود.

● قانون رقابت به لایحه اصل ۴۴ الحاق شد. اما من معتقدم به لحاظ نظری، قانون رقابت و لایحه اصل ۴۴ از یک جنس نیستند به طوری که اصل ۴۴ ممکن است در یک دوره زمانی مطرح شود اما قانون رقابت، مفهوم عمومی تری دارد. صنایع ما اغلب دولتی و انحصاری است به این دلیل R&D و نوآوری نداریم و عدم کارایی در مورد آن قطعی است. بر همین اساس، وجود قانون رقابت برای بهبود وضعیت، شرط لازم است اما کافی نیست. باید قوانین دیگری همچون قانون تجارت هم به تبعیت آن تغییر کند.

● نهادهایی که در لایحه مشخص می‌شوند موظفند اسلوب و شرایط لازم برای رقابت را فراهم کنند؛ یعنی باید سریعاً چارچوب‌های اجرایی مشخص شود و نهادهای لازم، طراحی و وظایف آنها تعریف شوند. اگر این اتفاق بیفتد به دنبال آن، اهداف مورد نظر تحقق خواهند یافت و هیأت تشخیص مربوطه، شرایط رقابت، محدودیت‌ها و حوزه فعالیت صنایع مختلف را تعیین خواهد کرد. ■



خصوصی‌سازی: از چاله به چاه

دکتر حسین باهر

استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

● اگر بخواهیم در زمینه رشد اقتصادی و رسیدن به رقابت مقایسه‌ای داشته باشیم، باید